

مطالعه جامعه‌شناختی نحوه گذران اوقات فراغت افراد 15-64 سال شهرستان جویبار

قربانعلی ابراهیمی^{1*}، رقیه مسلمی پطودی²

(تاریخ دریافت 89/12/24، تاریخ پذیرش 91/2/16)

چکیده

فراغت مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد پس از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی، به رضایت خود به آن‌ها می‌پردازد؛ این فعالیت‌ها ممکن است برای استراحت، یا تفریح، یا به‌منظور توسعه یا آموزش غیرانتفاعی، یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه انجام شود. از آنجایی که اوقات فراغت مفهوم مدرنی است که در دوران بعد از انقلاب صنعتی به‌وجود آمد، در این تحقیق سعی بر آن است تا تفاوت بین فراغت سنتی و مدرن بررسی شود، به این ترتیب که با توجه به زندگی مدرن کنونی، افراد از کدام نوع فراغت بیشتر استفاده می‌کنند؟ فراغت مدرن افراد بیشتر است یا فراغت سنتی آن‌ها؟ کدام عوامل اجتماعی (درآمد، جنسیت، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، محل زندگی و سن) بر اوقات فراغت افراد مؤثرند؟ نمونه 510 نفری این تحقیق به‌صورت نمونه‌گیری طبقه‌ای خوشه‌ای چندمرحله‌ای با روش پیمایش و با استفاده از فرمول حجم نمونه کوکران از جامعه آماری 49967 نفری

*ghorbanaliebrahimi@gmail.com

1. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران

2. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران

به‌دست آمد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد میزان پرداختن به فراغت مدرن پایین‌تر از فراغت سنتی است. تمام عوامل اجتماعی یادشده بر اوقات فراغت مؤثرند و فقط متغیر درآمد تأثیری بر اوقات فراغت ندارد.

واژه‌های کلیدی: اوقات فراغت سنتی، اوقات فراغت مدرن، جامعه‌شناسی اوقات فراغت، شهرستان جویبار.

مقدمه

در جهان پرتنش امروز که انسان‌ها به‌دلیل مشغله فراوان همواره احساس خستگی می‌کنند، اهمیت اوقات فراغت بر کسی پوشیده نیست. فراغت می‌تواند بر زندگی افراد تأثیر مثبتی بگذارد؛ به‌گونه‌ای که آنان از زندگی خود لذت ببرند. این تأثیر فقط شامل فرد نمی‌شود؛ بلکه چون افراد جامعه را تشکیل می‌دهند، فراغت مناسب به برنامه کلان هر جامعه نیز کمک خواهد کرد (پوراسماعیل، 1385: 183). در منشور فراغت که در ماه جولای سال 2000 به تصویب هیئت مدیره جهانی فراغت رسید، چنین آمده است: «تأمین فراغت برای کیفیت زندگی همان‌قدر اهمیت دارد که تأمین سلامت و آموزش.» (روجک، 1388: 11).

در دوره‌های گذشته، کار و بازی اغلب با هم پیوند داشتند و فراغت اصطلاحی نیست که بتوان در مورد جوامع گذشته به‌کار برد. در آن دوران، کار و بازی بخشی از مراسم مذهبی بوده که انسان‌ها با ارواح نیاکان خود به پا می‌کردند. حتی جشن‌های مذهبی نیز تجسمی از کار و بازی بود و میان آن دو هیچ تضادی وجود نداشت (مهدی‌پور آکردی، 1385: 8). اما تحولات دوره رنسانس در کنار اختراع ابزارهای فنی نوین مانند ماشین بخار و پیشرفت علم جدید، در سده‌های شانزده و هفده میلادی دوران جدیدی را پایه‌گذاری کرد که تمدن صنعتی نام گرفت. این دگرگونی‌ها سبب شد تا جهت‌گیری جدیدی پدید آید که در جهان قدیم وجود نداشت و آن عبارت بود از تأکید فزاینده بر کاربرد معرفت علمی در حل مسائل مربوط به کنترل انسان بر محیط (توکل، 1370: 102). همچنین انقلاب کبیر فرانسه و درهم‌ریختن دنیای کهن از یک‌سو و پیدایش منشور حقوق بشر و ازهم‌پاشیدن نظام فئودالی و سنت‌های کهنه و به‌وجود آمدن

سرمایه‌داری به‌مثابه نظام جدید و رشد شهرها از سوی دیگر، در پدیده فراغت تغییرات برجسته‌ای به‌وجود آورد (محسنی، 1375: 231).

بنابراین، فراغت پدیده‌ای است که با تمدن صنعتی پیوند دارد. در چنین تمدنی، برای پیدایش فراغت دو شرط لازم تحقق یافته است: نخست، کار از شکل اجبار فرهنگی و اجتماعی به‌درآمده و شکل مسئولیت آزاد فرد را پیدا کرده است. شرط دوم، جدا شدن کار از فعالیت‌های دیگر انسان است. سازمان‌یافتگی کار به شکلی است که چه از لحاظ عملی و چه از جنبه نظری، از وقت آزاد جدا شده است (ساروخانی، 1370: 764).

دراصل، مدرنیزاسیون فرایند فردی شدن، تمایز یا تخصصی شدن و انتزاع است. عضو (یا عنصر) پایه در ساختارهای جامعه مدرن، فرد است؛ درحالی که در جوامع روستایی یا دهقانی گروه یا اجتماع واحد اصلی را تشکیل می‌دهند. در نظام اجتماعی، نهادهای مدرن با تقسیم کار پیچیده و بسیار توسعه‌یافته وظایف تخصصی و خاصی را انجام می‌دهند؛ این تقسیم کار در تقابل شدید با - برای مثال - خانواده در جامعه روستایی قرار دارد که هم‌زمان واحد تولید، مصرف، اجتماعی کردن و تصمیم‌گیری آمرانه است. نهادهای مدرن قائل به حقوق و امتیازات ویژه برای گروه‌ها و افراد خاص نیستند و به‌واسطه رسم یا سنت هدایت نمی‌شوند؛ بلکه آن‌ها تمایل دارند تا تحت کنترل قواعد و قوانین کلی باشند و با چراغی، راهنمایی شوند که مشروعیت خود را از روش‌ها و یافته‌های علم می‌گیرد. کارگزاران افراد خاصی مانند پادشاه یا کشیش با اقتدار الهی یا تجویزی نیستند؛ بلکه بر اساس احکام عقلانی و غیرشخصی عمل می‌کنند که «کارشناسان» وضع کرده‌اند (اسپنسر و دیگران، 1381: 224). قبل از دوران مدرن و صنعتی شدن، کار افراد چه به‌صورت گروهی و چه انفرادی شکل خلاق داشت و فرد در حین کار احساس فراغت نیز می‌کرد؛ چون هدف سودجویانه در کار نبود. اما امروزه، به‌لحاظ اینکه بسیاری از وظایف خانواده‌ها را مؤسسات و واحدها به دوش گرفته‌اند، هر گروهی از افراد با توجه به سن و جنس و پایگاه اجتماعی و اقتصادی‌شان، معمولاً در طول روز اوقاتی به‌نام فراغت دارند.

از آنجا که فراغت به‌عنوان پدیده فرهنگی - اجتماعی هم از ساخت اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم بر آن تأثیر می‌گذارد و از جهتی چون موضوع مشترک تمام گروه‌های جامعه است و ساعت‌های زیادی را به خود اختصاص می‌دهد و تاکنون نیز چنین

پژوهشی در شهرستان جویبار صورت نگرفته، نگارندگان به ضرورت مطالعه و بررسی در این باره پی بردند. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بهبود امور اجتماعی و خیر و صلاح عمومی و به مصداق این عبارت جامعه‌شناس فرانسوی امیل دورکیم که: «اگر معتقد بودم جامعه‌شناسی به درد اصلاح نمی‌خورد، زحمت یک روز تجربه آن را بر خود هموار نمی‌کردم» انجام می‌گیرد تا شاید قدمی در راه حل چنین مشکلاتی برداشته شود؛ زیرا تا زمانی که انسان‌ها مشغول کار و فعالیت‌اند، به امور دیگری نمی‌پردازند و زمانی که بیکار می‌شوند، به فکر می‌روند که چه کار کنند و وقت آزادشان را چگونه بگذرانند. در نتیجه، با توجه به ویژگی‌های جامعه مدرن - که اصل اساسی آن بر متمایز کردن پدیده‌هاست - فراغت نیز پدیده جدیدی است که از کار جدا شده و از طرفی ابزارها و روش‌های خاص خود را می‌طلبد. در این تحقیق، نگارندگان سعی دارند شیوه‌های گذران فراغت را بررسی کنند و به این سؤال‌ها پاسخ دهند: با توجه به اینکه در عصر مدرن زندگی می‌کنیم، افراد بیشتر از کدام نوع فراغت استفاده می‌کنند و دیگر اینکه، آیا عوامل اجتماعی بر اوقات فراغت افراد مؤثرند؟

مشخصات اوقات فراغت در ایران قبل از اسلام (مقابل مدرن)

اگرچه اطلاعات در مورد نحوه گذران فراغت، کار و زندگی مردم در دوره‌های قبل از اسلام محدود است، با توجه به اسناد و مدارک موجود در این زمینه، می‌توان چنین دریافت که مزایای فراغت در آن دوره - که مردم با کار دشوار روزانه درگیر بودند - مختص طبقات ممتاز بوده است و مردم عادی از فرصت‌های کوتاهی که به دست می‌آوردند، برای استراحت و فعالیت‌های ساده‌ای مانند دیدوبازدید، گفت‌وگو و شرکت در مراسم و جشن‌های ملی و مذهبی استفاده می‌کردند. بدیهی است که در چنین جامعه‌ای فراغت به مفهومی که مورد نظر ماست، وجود نداشته. همان‌طور که پیشتر ذکر شد، چنانچه فرصت آزادی برای مردم عادی پدید می‌آمد، آن را صرف فعالیت‌های ساده و یا حداکثر انجام برخی امور ورزشی مانند توان‌آزمایی می‌کردند که درواقع افراد را برای کار بیشتر و استراحت آماده می‌کرد. در دوره اشکانیان و ساسانیان، با رونق روزافزون شهرنشینی، صورت تازه‌ای از سرگرمی‌های اوقات فراغت در جامعه ایران به وجود آمد. «اخلاق و آداب به تدریج تلطیف شده و ذوق امور تفننی و تجملی بیش از پیش نیرو گرفت. به عنوان مثال، رواج موسیقی از جمله وسایل تفریحی طبقات

ممتاز خصوصا در عهد ساسانی بوده و بازی‌هایی نظیر شطرنج، هشت‌پا، نرده و...» (آرتور، 1349: 341).

در کتاب *تاریخ اجتماعی ایران* در مورد فعالیت‌های فراغتی ایرانیان قبل از اسلام چنین آمده است: «ایرانیان همیشه سوار بر اسب با تیر و کمان، با زوبین شکار می‌کردند، بعد از ظهر را عمدتاً به درختکاری، چیدن گیاهان دارویی، ساختن سلاح و ابزار شکار می‌گذراندند.» (راوندی، 1354: 1/ 519). در ایران باستان، به سلامت بدن و فعالیت‌های ورزشی بسیار توجه می‌شد. نیاکان ما معتقد بودند «عقل سلیم در بدن سالم است و برای پرورش تن و تأمین سلامتی و ایجاد دلاوری و سلحشوری و جوانمردی، انواع ورزش را به اطفال و طبقات ممتاز می‌آموختند.» (راوندی، 1368: 7/ 9). از عهد ساسانیان جشن‌های سالانه‌ای در میهن ما معمول بود. در این اعیاد، مخصوصاً در عید نوروز و مهرگان ضمن اجرای تشریفات مذهبی، مردم به خوشی و شادمانی مشغول می‌شدند و با نواختن آهنگ‌های نوروز بزرگ و نوروز کی‌قباد و یاد نوروز و... و خواندن آوازاها، جشن‌های بزرگ برپا می‌کردند (همان، 793). در ایران عهد ساسانیان، طبقات ممتاز به امور تفننی و ذوقی توجه داشتند. در منابع مربوط به آن دوران درباره بهترین بازی‌ها، از چتربازی، تیراندازی، طاس‌بازی، بندبازی، سپربازی، زین‌بازی، شمشیربازی، دشنه‌بازی، گرزبازی، میل‌بازی، نیزه‌بازی، تیربازی، شیشه‌بازی، کپی‌بازی، کرمیل‌بازی و گهواره‌بازی سخن به میان آمده است (همان، 11).

مشخصات فراغت در عصر جدید

در جوامع صنعتی، فراغت چنان استوار بود که اوقات نامحدودی از ساعت‌های افراد را به خود اختصاص می‌داد. گسترش وسایل ارتباط جمعی و صنعتی شدن، وسایل گذران اوقات فراغت را نیز تغییر داد. اوقات فراغت در دوره مدرن در مقایسه با دوره سنتی و صنعتی کاملاً متفاوت شد. برای مثال، فراغت بیشتر حالت فردی پیدا کرد. هر نسلی الگوی فراغت جداگانه‌ای دارند؛ به‌طوری که امروزه هرکدام از اعضای خانواده به دنبال سرگرمی‌های مخصوص خود بیرون از خانواده هستند و نوع گذران فراغت در دوره مدرن پرهزینه و جدیدتر شده است (مهدوی و مولایی، 1381: 5). دو نمونه از عواملی که در دوره صنعتی شدن جوامع سبب افزایش اوقات فراغت در مقایسه با دوره سنتی شد به این شرح است: الف. به‌وجود آمدن نهضت‌های

اجتماعی که خواستار افزایش اوقات فراغت بودند، ب. تحقیقات متعددی که در این زمینه انجام شد؛ ازجمله کتاب رایزن به‌نام **توده تنها** که بشارت‌دهنده‌ی اساسی در گذران اوقات فراغت بود. رایزن برای اولین بار این ایده را مطرح کرد که تنها زمان فراغت است که به انسان این فرصت را می‌دهد تا به‌صورتی آزادانه خود را با جامعه مصرفی سازگار کند (همان‌جا).

به‌نظر می‌رسد صاحب‌نظران حوزه اوقات فراغت درباره تفاوت ماهیت فراغت و شیوه‌های گذران آن در دوران مدرن با دوران پیشامدرن با یکدیگر اتفاق‌نظر دارند. به‌طور کلی، از میان مؤلفه‌های مختلف فراغت در جهان کنونی، می‌توان مشخصات زیر را به‌عنوان مشخصات اصلی برشمرد:

1. برعکس زمان‌های گذشته، فراغت خاص طبقات ممتاز و مرفه جامعه نیست و عمومیت یافته و متنوع شده است.
2. زمان مربوط به فراغت، برعکس گذشته که درون خانه صرف می‌شد، به بیرون از خانه گسترش یافته و جنبه کاملاً برنامه‌ریزی‌شده‌ای به خود گرفته است.
3. اوقات فراغت موجب پیدایش نوع خاصی از تجارت شده و مورد توجه جوامع سرمایه‌داری قرار گرفته است.
4. پیدایش وسایل الکترونیک مثل رادیو، تلویزیون و سینما، به‌نحو بارزی چگونگی گذران اوقات فراغت را دگرگون کرده است.
5. به‌علت جداسدن تدریجی زمان کار از اوقات فراغت، دولت‌ها به این موضوع اهمیت بیشتری قائل شده و به‌صورت قانونی از راه‌های مختلف نظیر کاهش ساعت‌های کار، تعطیلات هفتگی، مرخصی‌های سالانه و... آن را مورد حمایت قرار داده‌اند؛ ضمن اینکه برنامه‌ریزی‌هایی از قبیل ارائه برنامه تفریحی و فرهنگی را نیز کم‌وبیش تدارک دیده‌اند (زاهدی اصل، 1381: 96).

پیشینه تحقیق

عابدینی (1372) تحقیقی با عنوان **بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دختران دبیرستانی در منطقه 17 آموزش و پرورش تهران** را انجام داده است. جامعه مورد مطالعه این پژوهش را دانش‌آموزان

دختر منطقه 17 تهران تشکیل می‌دهند. نتایج پژوهش به این شرح است: بی‌سوادی و کم‌سوادی والدین، پایین بودن میزان درآمد و مراتب شغلی پدران، پرجمعیت بودن خانواده‌ها، کمک گرفتن مادران از دختران خود در امور منزل، گذران اوقات فراغت بیشتر دانش‌آموزان در خانه و نبود امکان استفاده از فراغت‌های خارج از خانه در دانش‌آموزان منطقه هفده به چشم می‌خورد.

مهدوی و مولایی (1381) در پژوهش با عنوان «مطالعه جامعه‌شناختی نحوه گذران اوقات فراغت مردان متأهل شاغل پس از کار روزانه از نگاه همسرانشان در شهر اراک سال 1381»، تأثیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی (سن، تحصیلات فرد و والدین، محل سکونت فرد و والدین، درآمد فرد و والدین، شغل فرد و والدین و میزان برخورداری از امکانات) را بر انواع اوقات فراغت (سنتی و مدرن) بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که به جز درآمد والدین و شغل فرد، بقیه عوامل بر اوقات فراغت تأثیرگذار است.

فکوهی و انصاری مهابادی (1382) در مقاله «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی: نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران»، به بررسی نقش و تأثیر گذران اوقات فراغت بر شکل‌گیری شخصیت افراد و نیز ایجاد و پیدایش گونه‌های شخصیتی متأثر از چنین فرایندی پرداختند. افراد مورد مطالعه این تحقیق دو گروه از دختران دبیرستانی شهر تهران بودند. از بعد اقتصادی و فرهنگی و سلسله‌مراتب طبقاتی، اعضای گروه «الف» در زمره طبقه بالا و افراد گروه «ب» در طبقه پایین جامعه قرار داشتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد دختران گروه «الف» از تنوع فراغتی بیشتری برخوردار بودند و علاوه بر گذران اوقات فراغت در خانه، در خارج از خانه نیز فعالیت داشتند برعکس، فراغت گروه «ب» بسیار کم‌تنوع و محدود بود و تاحد زیادی در فعالیت‌های درون خانه متمرکز بود.

شفیعی (1383) در پژوهش «بررسی رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن در میان کارکنان و اساتید دانشگاه علامه طباطبائی تهران» نشان داد بین عوامل غیرمادی موجود در عرصه زندگی خصوصی زنان از یک‌سو و عوامل اقتصادی و اجتماعی از سوی دیگر با گذران اوقات فراغت زنان - چه از لحاظ میزان اوقات فراغت، چه به لحاظ گذران اوقات فراغت در درون یا بیرون از خانه، میزان پرداختن زنان به فعالیت‌های گذران اوقات فراغت و رضامندی آنان از گذران اوقات فراغت - رابطه معناداری وجود دارد.

بنابراین، اساس بهبود و ارتقای فراغت زنان همواره دستخوش عوامل محسوس و نامحسوس انکارناپذیری است و در نتیجه، بیشتر از اختصاص درآمد و امکانات، نیازمند بسترسازی فرهنگی خاص خود است.

الهام‌پور و پاک‌سرشت (1383) در مقاله «بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران» به این نتیجه رسیدند که از نظر جنسیتی، بین علایق پسران و دختران و نوع و به‌ویژه مدت زمان پرداختن به این فعالیت‌ها تفاوت‌های معناداری دیده می‌شود. وضعیت‌های اجتماعی سه‌گانه (بالا، متوسط و پایین) نیز تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد.

شفیعی (1386) به بررسی جنسیتی اوقات فراغت در بین زنان شاغل دانشگاه علامه طباطبائی پرداخت. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد اوقات فراغت زنان اندک است. ابراهیمی و بهنوئی گدنه (1388) در تحقیقی، رابطه اوقات فراغت را با هویت شخصی در بین جوانان شهر بابل‌سر بررسی کردند و دریافتند متغیرهای پایگاه اجتماعی و اقتصادی و میزان تحصیلات جوانان با گذران اوقات فراغت آنان هم‌بستگی دارد. همچنین، میزان گرایش پسران به فعالیت‌های زمان فراغت، بیش از دختران است.

ربانی و شیر (1388) در پژوهشی با عنوان «اوقات فراغت و هویت اجتماعی: بررسی جامعه‌شناختی الگوهای گذران اوقات فراغت جوانان در تهران» به نقش تعیین‌کننده «طبقه اجتماعی» و ترکیب هم‌زمان «جنسیت» با طبقه اجتماعی در خطوط تمایز و تفاوت الگوهای گذران اوقات فراغت پی بردند.

تیپا (1388) در مقاله «بررسی پایگاه اجتماعی - اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان (18-29 سال) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی» دریافتند که بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی و انواع فراغت، با توجه به سطح معناداری 0.004، رابطه وجود دارد؛ به این صورت که هرچه پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان بالاتر باشد، از مقدار انواع فراغت آن‌ها کاسته می‌شود.

لارابی¹ (1961) در پژوهشی با عنوان «فراغت گروهی» درباره تمایزات طبقاتی و اوقات فراغت مشاهده کرد که بین زنان و مردان در استفاده از اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین، طبقات متوسط روبه‌بالا ساعت‌های بیشتری را صرف اوقات فراغت می‌کنند. از سوی دیگر، الگوی انجام اوقات فراغت نیز با تغییر در پایگاه طبقاتی و سن افراد تغییر می‌کند.

مطالعات دیگری که توسط فیتزجرالد² (1995)، شینو³ و دیگران (2004) و واگنر⁴ (2006) انجام شد، نشان‌دهنده آن است که متغیرهای جمعیتی و پایگاه اجتماعی در اوقات فراغت افراد نقش مهمی دارد. یکی از نتایج مهم در تحقیقات این پژوهشگران، تفاوت بین دو جنس در انجام اوقات فراغت و تأثیر اجبارهای اجتماعی بر رفتارهای اجتماعی آن‌هاست. جی، لی و بارگوا⁵ (2004)، در تحقیقی به این نتایج دست یافتند که افراد متأهل در مقایسه با افراد مجرد، زمان کمتری را به فعالیتهای اوقات فراغت اختصاص می‌دهند. در میان عوامل اجتماعی و جمعیتی، درآمد، اشتغال، سن، جنس و نژاد عوامل مؤثری در استفاده از اوقات فراغت هستند.

نتایج تحقیق گومز⁶ و دیگران (2004)، با عنوان «فعالیت‌های فیزیکی اوقات فراغت در میان زنان بوگوتا و کلمبیا: شیوع و هم‌بستگی اجتماعی - جمعیتی» نشان می‌دهد حدود 79/1 درصد از پاسخ‌گوها غیرفعال‌اند، 15/7 درصد به‌طور نامنظم در فعالیتهای فیزیکی مشارکت می‌کنند و 5/2 درصد به‌طور منظم در فعالیتهای فیزیکی اوقات فراغت شرکت می‌کنند.

اگویر و هورست⁷ (2006) به «اندازه‌گیری تمایل در اوقات فراغت: در پنج دهه» پرداختند. در این پژوهش، از اسناد پنج دهه پیمایش برای تخصیص زمان استفاده شده است. مدارک افزایش دراماتیکی از اوقات فراغت را نشان می‌دهد که با ساعات‌های کاری ارتباط استواری دارد؛ به‌ویژه مدارکی که نشان می‌دهد اوقات فراغت برای مردان به شش تا هشت ساعت در هفته (با کاهش در بازار کار) و برای زنان به چهار تا هشت ساعت در هفته افزایش یافته است (با کاهش در ساعات‌های کار خانه). این افزایش اوقات فراغت با افزایش تعطیلات از پنج هفته به ده هفته در سال مطابق است با فرض چهل ساعت کار در هر هفته، همچنین، آن‌ها دریافتند در طول چهل سال اخیر، اوقات فراغت برای تعدادی از زیرمجموعه‌های جمعیت افزایش یافته است؛ از جمله جوانان کمتر تحصیل‌کرده. به‌تازگی، برخی مدارک رشد نابرابری در اوقات فراغت را نشان می‌دهد که نمودار رشد نابرابر دستمزدها و سطح رفاه است.

نظریه تحقیق

اوقات فراغت به‌منزله پدیده اجتماعی، در الزامات و ضرورت‌های اجتماعی درگیر شده است و به‌خوبی می‌تواند به‌مثابه تجسمی از روش کلی زندگی به‌شمار آید. چنین عقیده‌ای بی‌درنگ

مفهوم «فرهنگ» را به میان می‌آورد (تورکیلدسن، 1382: 108). با توجه به اینکه اوقات فراغت جزئی از فرهنگ به‌شمار می‌آید و فرهنگ‌ها در زمان‌های گوناگون، فراغت‌های مختلفی را ایجاد می‌کنند؛ پس اوقات فراغت در جوامع مدرن و پیشامدرن با هم متفاوت است. از آنجایی که اوقات فراغت به‌صورتی که امروزه مصطلح است، در زمان پیشامدرن وجود نداشته، به همین سبب اکثر نظریه‌های اوقات فراغت در قرن بیستم به‌وجود آمده است. بسیاری از نظریه‌ها از مشکلات انقلاب صنعتی بر ساخته شده‌اند. از آن زمان تاکنون، صدها نظریه و تعریف درباره اوقات فراغت ارائه شده است (همان‌جا). از میان انبوه آثار، در این سه بخش سه نظریه ذکر می‌شود. این نظریه‌ها اوقات فراغت را در زمان بعد از انقلاب صنعتی و دوران مدرن مورد توجه قرار داده‌اند.

تورنشتاین وبلن

وبلن از پیش‌گامان نظریه‌پردازی درباره فراغت بود. او در اواخر قرن نوزده با تدوین کتاب *نظریه طبقه مرفه: به‌سوی یک جامعه فراغتی*، جامعه‌شناسی فراغتی را بنیان نهاد و از جنبه علمی و انتقادی به اوقات فراغت توجه کرد. در این کتاب، وبلن بیکارگان طبقه مرفه را در جامعه بورژوازی مورد مطالعه قرار داد و به این نتیجه رسید که اعضای این طبقه برای نمایش و کسب مقام و منزلت اجتماعی بالاتر در مصرف و به‌ویژه فراغت و تن‌آسانی زیاده‌روی می‌کنند (اسدی، 1352: 20). وبلن (1383) در بیان ویژگی‌های این طبقه می‌گوید: «مردم طبقه مرفه کار تولیدی و بدنی را حقیر می‌شمردند و تنها در کنار طبقه مولد زندگی می‌کنند و این طبقه گاهی حتی برای حفظ منافع خود به امر تولید نیز آسیب می‌رسانند». او معتقد است آسایش و مصرف تظاهری بر تنبلی و بیکارگی طبقه تن‌آسان و مرفه دلالت ندارد؛ بلکه وبلن تباه کردن زمان و بی‌فایده بودن گذر زمان را بر امر تولید و همچنین ضایع کردن تظاهری را هنجار مصرفی این طبقه می‌داند که در قالب پوشش‌های ارزشی نمایان می‌شود. وبلن معتقد است گران‌بهای مهم‌ترین معیار مصرف تظاهری این طبقه است و حتی از نظر آنان، زیبایی هر کالا به گران‌بهای آن بستگی دارد. به نظر وبلن، در این طبقه (طبقه مرفه) معیارهای زیبایی‌شناسی و گران‌بهای درهم آمیخته شده‌اند و بهترین نمود این آمیزش در شیوه لباس پوشیدن خود را

نشان می‌دهد. او ضمن تشریح عقاید اجتماعی و فرهنگی این طبقه، بر این باور است که برخلاف دیدگاه طبقه مرفه، معیارهای اصیل‌تری برای زیباشناختی وجود دارد که فارغ از مد و قیمت است. این در حالی است که از دیدگاه طبقه مرفه، معیارهای زیباشناسی مغلوب معیارهای مادی شده‌اند. وبلن خلاصه دیدگاه طبقه مرفه را در نظریه «طبقه مرفه» خود این‌گونه معرفی می‌کند: «اساسا پول شهرت است و هرچه فرد ریشه‌دارتر باشد، ثروتش بیشتر است. لذا ثروت به‌ارث‌رسیده، اثرش از ثروت رسیده‌ازکار بیشتر است». وبلن نظریه خود را بر مبنای خودپرستی بیان می‌کند و معتقد است افراد از دو راه می‌توانند موقعیت مالی و پولی خود را نشان دهند (نظریه مصرف‌نمایشی): الف. اوقات فراغت تظاهری که مختص شرایطی است که افراد همدیگر را بهتر می‌شناسند. ب. مصرف تظاهری و این شرایط مربوط به شهرهای بزرگ است که افراد از همدیگر شناخت کامل و دقیقی ندارند (توتونچی ملکی، 1388).

ژوفر دو مازیه

در دهه‌های 1920 و 1930 در اروپا و آمریکا با رایج شدن زمان کار هشت ساعت در روز، برای اصلاح‌طلبان اجتماعی این دغدغه به‌وجود آمد که آیا وقت اضافی برای افراد (کارگران) صرف خودسازی آن‌ها خواهد شد یا بیهوده به هدر خواهد رفت؛ به همین علت دست به پژوهش‌های متعددی در این زمینه زدند. احساس عمومی این بود که با کاهش یافتن زمانی که صرف کار می‌شود، باید به فعالیت‌های اوقات فراغت سازمان بیشتری داده شود. پس از جنگ جهانی دوم، جامعه‌شناسی اوقات فراغت بعد نو و فضای تازه‌ای یافت. با پیدایش انقلاب دوم صنعتی (و خودکار شدن صنایع)، زمان فراغت بازهم گسترش یافت و فعالیت‌های جدیدی با عنوان اوقات فراغت مطرح شد که بسیاری از آن‌ها بر رشد و پیشرفت معلومات و استعدادها تکیه می‌کرد. ژوفر دو مازیه با در نظر داشتن این مسائل مطالعاتی را آغاز کرد که نتیجه آن به‌سوی یک تمدن فراغت (1962) و فراغت در شهر (1966) بود (دو مازیه به نقل از اسدی، 1352: 25).

دو مازیه معتقد است در دوران صنعتی جدید بنابه دلایلی، پدیده‌ای به نام اوقات فراغت به‌وجود آمد که در دوران قبل وجود نداشت. بعضی از این علل عبارت‌اند از: کاهش ساعت‌های کار؛ ارتقای سطح زندگی کارگران و مزدبگیران؛ زیاده‌تر، متنوع‌تر و پیچیده‌تر شدن

تفریحات؛ تثبیت فراغت و فعالیت‌های فراغتی نه تنها به عنوان حق هر فرد، بلکه به عنوان یک ارزش (ترکاشوند، 1386). به عقیده دو مازیه، جامعه‌شناسی اوقات فراغت دربرگیرنده مجموعه‌ای از اشتغالات است که فرد با کمال میل به آن‌ها می‌پردازد؛ خواه به منظور استراحت، خواه برای ایجاد تنوع، خواه با هدف گسترش اطلاعات و آموزش خویشتن (بدون توجه به اهداف مادی) و یا برای مشارکت اجتماعی آزاد، بعد از آنکه از الزامات حرفه‌ای، خانوادگی و اجتماعی فارغ شد (جلالی فراهانی، 1387: 8).

دو مازیه سه کارکرد مهم برای فعالیت‌های فراغتی قائل است: «استراحت» که نقش آن رفع خستگی، جبران فشارهای روحی و جسمی ناشی از هیجان‌های مداوم کار و انجام وظایف گوناگون است؛ «تفریح» که نقش آن رهانیدن انسان از کسالت ناشی از یکنواختی انجام وظایف در محل کار و خانه است؛ «رشد شخصیت» که از طریق افزایش معلومات و اطلاعات و افزایش مشارکت اجتماعی افراد حاصل می‌شود. بنابراین، فراغت فرصت پرورش استعدادهای بدنی و ذهنی را برای فرد فراهم می‌کند (ترکاشوند، 1386).

دو مازیه تحقیقات مفصلی درباره اوقات فراغت انجام داده است؛ اما آنچه در نظریه‌اش اهمیت ویژه‌ای دارد، طبقه‌بندی‌ای است که از انواع مختلف فراغت ارائه داده:

1. فراغت‌های جسمانی: نظیر ورزش‌های مختلف، قدم‌زنی، پرسه‌زنی، استراحت، دراز کشیدن، مسافرت و تعطیلات.
2. فراغت‌های هنری: مانند بازدید از مناظر طبیعی، موزه‌ها و بناهای یادبود، شرکت در جشن‌های مختلف، رفتن به سینما، تئاتر و کنسرت، نقاشی و نواختن موسیقی.
3. فراغت‌های عملی: انجام دادن کارهای دستی (سفال‌سازی، باغبانی، سوزن‌دوزی و...)، این فراغت در میان افراد کم‌درآمد بیشتر رایج است؛ همچنین از آنجایی که این نوع فراغت جنبه کاربردی دارد، در عین اینکه به عنوان فراغت امری دلپذیر است، به نحوی به اقتصاد خانواده هم کمک می‌کند.
4. فراغت‌های فکری: بیشتر این نوع فراغت در مطالعه نمایان می‌شود و می‌تواند شامل مطالعه روزنامه، مجله، کتاب و... باشد. گوش دادن به رادیو و تلویزیون نیز در این طبقه قرار دارد.
5. فراغت‌های اجتماعی: این نوع فراغت در پوشش انواع تفریح‌ها، دیدوبازدیدها، گروه‌های دوستانه، دوره‌های مختلف خانوادگی و... ظاهر می‌شود (تیپا، 1388: 88).

پی‌یر بوردیو

بوردیو در عرصه اوقات فراغت و سبک زندگی دیدگاه جدیدی را پدید آورد. او به عرصه و میدان توجه می‌کند. مطابق با هر میدان، سرمایه‌هایی شکل می‌گیرد که سبک زندگی گوناگونی را به صورت عادت‌واره به وجود می‌آورد (خواجه نوری و مقدس، 1387: 141). در نظریه بوردیو، میدان پهنه اجتماعی کم‌وبیش محدودی است که در آن تعداد زیادی از بازیگران یا کنشگران اجتماعی با منش‌های تعریف‌شده و توانایی‌هایی سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازات دست یابند. جامعه از تعداد بی‌شماری میدان تشکیل شده است: میدان دانشگاهی، هنری، صنعت و تجارت، حکومت، رسانه‌ها و ... (فکوهی، 1384: 145).

وجود شکل‌های متفاوت «سرمایه» فراهم‌کننده ساختاری بنیادین برای سازمان‌دهی عرصه‌ها و به این ترتیب، شکل‌گیری انواع مختلف منش و کنش‌های مرتبط با آنهاست. بوردیو ادعا می‌کند «سرمایه جز در ارتباط با یک عرصه وجود و کارکرد ندارد» (جلائی‌پور و محمدی، 1387: 320). منش مجموعه‌ای از خلق و خواهی‌های فراهم‌آمده در شخصیت کنشگر است که نحوه رویارویی او با موقعیت‌های مختلف را جهت می‌بخشد (Bourdieu, 2002: 18). به اعتقاد بوردیو، سرمایه می‌تواند دارای شکل‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد (شارع‌پور و خوشفر، 1381: 134):

- سرمایه اقتصادی: درآمد پولی و سایر منابع مالی و دارایی‌ها و نیز تجلی نهادی آن، یعنی حقوق مالی را دربرمی‌گیرد.

- سرمایه فرهنگی: گرایش‌ها و عادت‌های دیرپا که طی فرایند جامعه‌پذیری حاصل می‌شوند و نیز اهداف فرهنگی ارزشمند نظیر صلاحیت‌های تحصیلی و فرهیختگی را دربرمی‌گیرد.

- سرمایه اجتماعی: مجموع منافع بالفعل و بالقوه که کنشگران از طریق عضویت در شبکه‌های اجتماعی و سازمان‌ها به دست می‌آورند (Anherier & Romo, 1995).

بر مبنای دیدگاه بوردیو، گذران اوقات فراغت می‌تواند بیانگر سبک زندگی و ذائقه‌های خاص باشد که به متمایز شدن افراد از یکدیگر منجر شود. درواقع، یکی از کارکردهای اوقات

فراغت، تمایزبخشی است. بورديو برای تبیین نظری خود از مفهومی به نام ذائقه بهره می‌برد (ذائقه عملکردی است که یکی از کارکردهایش این است که به افراد ادراکی از جایگاهشان در نظام اجتماعی می‌دهد) (کوزر، 1384: 727). به معنای دقیق‌تر، مصرف اجازه بازنمایی سبک‌های زندگی مختلف و ذائقه‌های متفاوت را می‌دهد و درنهایت، سبک‌های زندگی و ذائقه‌هایی که بر مبنای سرمایه‌های بالا شکل می‌گیرند، به مصرف کالاهایی می‌انجامد که تمایز اجتماعی ایجاد می‌کنند. این منطق تمایز در مصرف، در کانون توجه بورديو قرار دارد (Southerton, 2001).

به نظر بورديو، انتخاب‌های افراد در مورد گزینه‌های فراغت، اساساً اجتماعی است و مردم سبک‌های زندگی و فعالیت‌های فراغتی را یاد می‌گیرند و با توجه به سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، نحوه گذران اوقات فراغت متفاوت است. به علاوه، چون مجردان و متأهلان و گروه‌های سنی مختلف در جامعه دارای سبک زندگی متفاوت هستند و میزان و نوع فراغت آن‌ها تغییر می‌کند، بنابراین وضعیت تأهل و سن به عنوان متغیر مستقل مؤثر بر اوقات فراغت بررسی شده‌اند.

با توجه به نظریه بورديو، شاخص‌های زیر برای هرکدام از سرمایه‌ها در نظر گرفته شده است:

1. پایگاه اجتماعی - اقتصادی و درآمد برای سرمایه اقتصادی؛
2. محل زندگی فرد شاخصی برای سرمایه اجتماعی؛
3. میزان تحصیلات پاسخ‌گو و تحصیلات پدر و مادر شاخصی برای سرمایه فرهنگی (خواجه‌نوری و مقدس، 1387: 141).

فرضیه‌های تحقیق

1. اوقات فراغت بر حسب جنسیت تفاوت دارد؛ به این ترتیب که زنان در مقایسه با مردان اوقات فراغت کمتری دارند (ابراهیمی و بهنوئی گدنه، 1388؛ شفیعی، 1383 و 1386).

2. اوقات فراغت بر حسب وضعیت تأهل تفاوت دارد؛ به این صورت که مجردان در مقایسه با متأهلان فراغت بیشتر و مدرن‌تری دارند (برگرفته از G. Lee & Bhargava, 2004).
3. اوقات فراغت بر حسب محل سکونت تفاوت دارد؛ به این ترتیب که افراد ساکن در شهر در مقایسه با ساکنان روستا فراغت بیشتر و مدرن‌تری دارند (برگرفته از نظریه بوردیو).
4. اوقات فراغت بر حسب گروه‌های سنی تفاوت دارد؛ به این ترتیب که جوانان در مقایسه با افراد مسن از فراغت بیشتر و مدرن‌تری برخوردارند (مهدوی و مولایی، 1381؛ G. Lee & Bhargava, 2004).
5. اوقات فراغت بر حسب گروه‌های تحصیلی گوناگون تفاوت دارد؛ به این صورت که افراد با تحصیلات بالاتر در مقایسه با گروه‌های کم‌سواد و بی‌سواد از فراغت بیشتر و مدرن‌تری برخوردارند (برگرفته از نظریه بوردیو).
6. اوقات فراغت بر حسب پایگاه اجتماعی و اقتصادی تفاوت دارد؛ به این ترتیب که افراد با پایگاه‌های بالاتر در مقایسه با افرادی با پایگاه‌های پایین‌تر از فراغت بیشتری برخوردارند (برگرفته از نظریه بوردیو).

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، پیمایشی است که یکی از رایج‌ترین روش‌های تحقیق در مطالعات کمی محسوب می‌شود. واحد تحلیل، «فرد» پاسخ‌گو است. سطح تحلیل نیز خرد است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسش‌نامه است. برای تهیه پرسش‌نامه، شاخص‌های مربوط به هرکدام از متغیرهای تحقیق استخراج شد و هر شاخص متناسب با سطح سنجش، با استفاده از طیف خاصی مورد سنجش قرار گرفت. در این مطالعه برای به‌دست آوردن اعتبار⁸ پرسش‌نامه، از اعتبار سازه‌ای استفاده شد؛ ضمن اینکه از متخصصان و استادان صاحب‌نظر نیز نظرخواهی شد. برای به‌دست آوردن پایایی⁹ تحقیق، پرسش‌نامه در نمونه‌ای به حجم پنجاه نفر از افراد به‌تفکیک جنس اجرا شد که نتایج به‌دست آمده از این پیش‌آزمون در جدول شماره یک آمده است.

جدول 1 ضریب آلفای کرونباخ برای گویه‌های مربوط به مفهوم اوقات فراغت

مفهوم	ابعاد	تعداد گویه	مقیاس	آلفای کرونباخ
اوقات فراغت	سستی	8	ترتیبی	0/88
	مدرن	58	ترتیبی	0/92
	سستی - مدرن	8	ترتیبی	0/74
اوقات فراغت کل		74	ترتیبی	0/93

جامعه آماری این تحقیق شامل تمام افراد واقع در سن 15-64 سال (967/49 نفر) در شهرستان جویبار است. برای انتخاب نمونه، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد و نمونه‌ای به حجم 510 نفر بر اساس فرمول کوکران و به تفکیک جنس انتخاب شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده، نرم‌افزار کامپیوتری¹⁰ و آماره‌های توصیفی (شامل جدول‌های فراوانی) و استنباطی (شامل آزمون تی، تست، ضریب هم‌بستگی پیرسون و رگرسیون) به کار رفت.

پس از سنجش مفهوم اوقات فراغت، ضمن استفاده از آرا و تحقیقات دیگران (فکوهی و انصاری مهابادی، 1382؛ مهدوی و مولایی، 1381) و با مراجعه به داوران، چارچوب مفهومی اوقات فراغت بر اساس تفکیک آن به سستی و مدرن استفاده شد.

تعریف نظری مفاهیم

اوقات فراغت¹¹ (متغیر وابسته): جامعه‌شناس اوقات فراغت، ژوفر دو مازیه، در این باره تعریف جامعی بازگو کرده است: فراغت مجموعه‌ای از اشتغالاتی است که فرد کاملاً به رضایت خود یا برای استراحت، یا برای تفریح، یا به‌منظور توسعه یا آموزش غیرانتفاعی یا مشارکت اجتماعی داوطلبانه، بعد از آزاد شدن از الزامات شغلی، خانوادگی و اجتماعی به آن‌ها می‌پردازد (سعیدی رضوانی و سینه‌چی، 1386).

اوقات فراغت سستی¹²: منظور از اوقات فراغت سستی، شکلی از گذران فراغت است که بیشتر مبتنی بر الگوهای ساده و قدیمی زندگی بوده و بر رویکردها و قالب‌های مذهبی افراد نیز استوار است؛ مانند حضور در مساجد، مراسم دعا و هیئت‌های مذهبی و... (فکوهی و انصاری مهابادی، 1382: 71).

اوقات فراغت مدرن¹³: منظور از فراغت مدرن، شکلی از گذران اوقات فراغت است که بیشتر مبتنی بر الگوهای جدید زندگی است. در این شکل از فراغت رویکردهای مذهبی و سستی کمتر در نظر گرفته شده و فراغت بیشتر حالت فردی پیدا کرده است. همچنین، نوع گذران اوقات فراغت در دوره مدرن پرهزینه‌تر و جدیدتر شده است. در دوره مدرن، در کنار اوقات بیکاری فرد - که صرف فعالیت‌های سازنده‌ای مثل هنر و ورزش و امثال آن می‌شود - بیش از پیش، انواع فراغتهایی که با فعل‌پذیری توأم است رواج پیدا می‌کند. تماشای فیلم، ماهواره، مسابقه‌های ورزشی در تلویزیون و استادیوم‌ها و رفتن به سفرهای خارجی و... از اموری است که قسمت چشمگیری از اوقات فراغت مردم را دربرمی‌گیرد (مهدوی و مولایی، 1381: 5).

پایگاه اجتماعی و اقتصادی: برای تعیین پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخ‌گویان از سه بعد: درآمد خانواده، شغل پدر و مادر و میزان تحصیلات پدر و مادر استفاده شد. بعد شغل بر اساس نمره منزلت شغلی (نایی، 1381) به دست آمده و سرانجام پس از استاندارد کردن ابعاد سه‌گانه یادشده و ترکیب آن‌ها با هم، متغیر مورد نظر حاصل شد.

تعریف عملیاتی متغیرها

جدول 2 فرایند شاخص‌سازی انواع اوقات فراغت

متغیر	ابعاد	شاخص‌ها
اوقات فراغت	سستی	گردش و تفریح با خانواده، رفتن به مراسم مذهبی، شرکت در سخنرانی دینی، شرکت در جلسه دعا، شرکت در جلسه قرآن، شرکت در نماز جماعت، زیارت اهل قبور، بودن در کنار خانواده.
	مدرن	رفتن به پارک، رفتن به باشگاه‌های ورزشی، رفتن به کتابخانه عمومی، قدم زدن در بازارها و فروشگاه‌ها، بازی‌های فکری، خرید رفتن، گفت‌وگوی تلفنی، مطالعه آزاد، گفت‌وگوی اینترنتی، نامه‌نگاری اینترنتی، بازی‌های کامپیوتری، سرگرمی‌های خاص، عکاسی کردن، ماشین‌رانی، شرکت در سمینارها، استفاده از رسانه‌های دیداری و شنیداری و... .

یافته‌های پژوهش

بررسی‌های توصیفی، آمارهای ساده، ولی اولیه‌ای را فراهم می‌کند که می‌توان تحلیل‌های تبیینی را بر اساس آن‌ها انجام داد. همچنین، آمارهای توصیفی می‌تواند به شناخت کامل‌تر جامعه مورد بررسی کمک کند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد نسبت پاسخ‌گویان دختر (49/8) و پسر (50/2) تقریباً برابر است. از نظر سنی، 47/8 درصد از پاسخ‌گویان در گروه سنی 15-29 سال و 38/8 درصد از پاسخ‌گویان در گروه سنی 30-49 سال قرار دارند و 13/3 درصد در گروه سنی 50-64 سال هستند. بنابراین، بیشتر پاسخ‌گویان (47/8) در گروه سنی 15-29 قرار دارند. میانگین سن پاسخ‌گویان نیز تقریباً 33 سال است. از نظر محل زندگی، 58/8 درصد در روستا و 41/2 درصد در شهر زندگی می‌کنند. از نظر وضع تأهل، 32/7 درصد را افراد مجرد و 67/3 درصد را افراد متأهل تشکیل می‌دهند. از نظر پایگاه اجتماعی و اقتصادی، 1/6 درصد از پاسخ‌گویان در طبقه پایین، 58/6 درصد طبقه متوسط روبه‌پایین، 29/6 درصد طبقه متوسط، 5/1 درصد طبقه متوسط روبه‌بالا و 0/8 درصد در طبقه بالا قرار دارند. همان‌گونه که توزیع فراوانی پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز نشان می‌دهد، بیشتر پاسخ‌گویان در طبقه متوسط روبه‌پایین (58/6 درصد) قرار دارند و کمترین تعداد نمونه (0/8 درصد) در طبقه بالاست.

جدول 3 توزیع درصد و میانگین انواع اوقات فراغت پاسخ‌گویان شهرستان جویبار

گونه‌ها	بسیار زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	پاسخ نداده	کل	میانگین از 4
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
فراغت سنتی	15/11	20/15	34/37	20/31	10/03	0	100	2/09
فراغت مدرن	11/92	12/64	17/34	8/32	33/3	0/07	100	1/29
فراغت کل	12/85	14/48	21/35	10/85	31/05	0/058	100	1/84

داده‌های جدول شماره سه نشان می‌دهد فراغت سنتی 35/26 درصد پاسخ‌گویان زیاد و بسیار زیاد و فراغت مدرن 24/56 درصد پاسخ‌گویان زیاد و بسیار زیاد است. میانگین بالاتر 2/14 از 4 به فراغت سنتی و کمترین میانگین 1/29 از 4 به فراغت مدرن اختصاص دارد. نتایج

مطالعه جامعه‌شناختی نحوه گذران اوقات ... قربانعلی ابراهیمی و همکار

گویای آن است که پاسخ‌گویان بیشتر به اوقات فراغت سنتی می‌پردازند. به‌طور کلی، میانگین اوقات فراغت کل (1/84) از 4 پاسخ‌گویان کمتر از حد متوسط است.

جدول 4 توزیع فراوانی و درصد مهم‌ترین گویه‌های فراغت سنتی

گویه ها	بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		اصلا		کل		میانگین از 4
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
بودن در کنار خانواده	281	55/1	122	23/9	76	14/9	21	4/4	10	2	510	100	3/26
گردش و تفریح با خانواده	112	22	131	25/7	177	34/7	62	12/2	28	5/5	510	100	2/46
رفتن به مکان‌های مقدس	67	13/1	124	24/3	180	35/3	105	20/6	34	6/7	510	100	2/16
رفتن به مراسم مذهبی	49	9/6	128	25/1	207	40/6	97	19	29	5/7	510	100	2/13
زیارت اهل قبور	68	13/3	102	20	203	39/8	98	19/2	37	7/3	510	100	2/13

جدول شماره چهار، پنج رفتار فراغت سنتی را که از بیشترین فراوانی و درصد برخوردارند، به‌ترتیب نشان می‌دهد. بررسی گویه‌ها نمودار آن است که بیشترین فراوانی (281) به گزینه «خیلی زیاد» در گویه «بودن در کنار خانواده» مربوط است که 55/1 درصد از افراد را شامل می‌شود. بررسی میانگین‌ها نشان می‌دهد بیشترین میانگین 3/26 از 4 به گزینه «بودن در کنار خانواده» اختصاص دارد و گویه‌های «گردش و تفریح با خانواده»، «رفتن به مکان‌های مقدس و مراسم مذهبی» و «زیارت اهل قبور» به‌ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

جدول 5 توزیع فراوانی و درصد مهم‌ترین گویه‌های فراغت مدرن

گویه‌ها	بسیار زیاد		زیاد		متوسط		کم		اصلا		کل		میانگین از 4
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
تماشای تلویزیون	195	38/2	177	34/7	111	21/8	25	4/9	2	0/4	510	100	3/05
خرید کردن	84	16/5	115	22/5	210	41/2	61	12	40	7/8	510	100	2/27
م.م. زدن در بازارها و فروشگاه‌ها	46	9	108	21/2	204	40	104	20/4	48	9/4	510	100	2
گفت‌وگوی تلفنی	49	9/6	88	17/3	190	37/3	142	27/8	41	8	510	100	1/92

جدول شماره پنج، چهار رفتار فراغت مدرن را که از بیشترین فراوانی و درصد برخوردارند، به‌ترتیب نشان می‌دهد. از بررسی گویه‌ها دریافت می‌شود که بیشترین فراوانی (204) به گزینه «متوسط» در گویه «قدم زدن در بازارها و فروشگاه‌ها» مربوط است که 40 درصد از افراد را شامل می‌شود. بررسی میانگین‌ها نیز گویای آن است که بیشترین میانگین 3/05 از 4 به گزینه «تماشای تلویزیون» اختصاص دارد و گویه‌های «خرید کردن»، «قدم زدن در بازارها و فروشگاه‌ها» و «گفت‌وگوی تلفنی» به‌ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

جدول 6 خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع اوقات فراغت مردان و زنان

متغیر	جنسیت	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	سطح معناداری
فراغت سنتی	مرد	254	19/22	7/08	-5/394	0/000
	زن	256	22/75	7/67		
فراغت مدرن	مرد	254	89/29	28/84	5/067	0/000
	زن	247	76/12	29/3		
اوقات فراغت کل	مرد	254	123/31	34/93	2/815	0/005
	زن	247	114/31	36/65		

خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع اوقات فراغت زنان و مردان در جدول شماره شش آمده است. سطوح معناداری مشاهده‌شده حاکی از آن است که تفاوت میانگین فراغت سستی و فراغت مدرن زنان و مردان معنادار است. میانگین فراغت سستی زنان (22/75) از 32 بیشتر از میانگین فراغت سستی مردان (19/22) است. همچنین، میانگین فراغت مدرن مردان (89/29) از 232 بیشتر از میانگین فراغت مدرن زنان (76/12) است. در کل، میانگین اوقات فراغت زنان و مردان تفاوت معناداری دارد؛ به این ترتیب که میانگین اوقات فراغت کل مردان (123/31) از 296 بیشتر از میانگین اوقات فراغت کل زنان (114/31) است. بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه از نظر میانگین اوقات فراغت بین زنان و مردان تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود.

جدول 7 خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع اوقات فراغت بر حسب وضعیت تأهل

متغیر	وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
فراغت سستی	مجرد	167	20/14	7/67	-1/761	0/079
	متاهل	343	21/4	7/52		
فراغت مدرن	مجرد	167	94/79	30/79	6/644	0/000
	متاهل	334	76/8	27/4		
اوقات فراغت کل	مجرد	167	131/17	36/73	5/563	0/000
	متاهل	334	112/72	34/1		

خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع اوقات فراغت افراد مجرد و متأهل در جدول شماره هفت آمده است. سطوح معناداری مشاهده‌شده نشان می‌دهد اگرچه تفاوت میانگین اوقات فراغت معنادار است، تفاوت دو گروه در میانگین فراغت سستی معنادار نیست. داده‌های این جدول گویای این است که میانگین فراغت مدرن افراد مجرد (94/79) از 232 بیشتر از میانگین فراغت مدرن افراد متأهل (76/8) است. با توجه به سطوح معناداری مشاهده‌شده در سطح 99 درصد، می‌توان گفت این تفاوت معنادار است. در نتیجه، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین پاسخ‌گویان مجرد و متأهل از نظر میانگین اوقات فراغت تفاوت وجود دارد، در مورد فراغت مدرن تأیید می‌شود؛ یعنی میزان اوقات فراغت مجردها بیشتر از متأهلهاست.

جدول 8 خروجی آزمون T جهت مقایسه میانگین انواع اوقات فراغت در شهر و روستا

متغیر	محل زندگی	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
فراغت سنتی	روستا	300	20/88	7/37	-0/401	0/689
	شهر	210	21/15	7/88		
فراغت مدرن	روستا	291	83/79	29/21	0/882	0/378
	شهر	210	81/41	30/56		
اوقات فراغت کل	روستا	291	119/51	35/43	0/467	0/641
	شهر	210	117/99	36/91		

بنابر نتایج جدول شماره هشت، میانگین انواع اوقات فراغت پاسخ‌گویان شهری و روستایی تقریباً یکسان است. این نتیجه با توجه به میزان T به‌دست‌آمده در سطح 95 درصد معنادار نیست؛ از این رو بین میانگین اوقات فراغت پاسخ‌گویان شهری و روستایی تفاوت زیادی وجود ندارد. بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه بین پاسخ‌گویان شهر و روستا از نظر میانگین اوقات فراغت تفاوت وجود دارد، رد می‌شود. این نتیجه شاید به این دلیل به‌دست آمده باشد که ساختار اجتماعی شهر و روستا با یکدیگر متفاوت نیست و امکانات فراغتی در شهر و روستا به یک میزان توسعه یافته است.

جدول 9 تحلیل واریانس گروه سنی بر حسب انواع اوقات فراغت

متغیرها	نوع پراکندگی	درجه آزادی (df)	F	سطح معناداری (sig)
فراغت سنتی	بین‌گروهی	2	5/05	0/000
	درون‌گروهی	507		
فراغت مدرن	بین‌گروهی	2	42/29	0/000
	درون‌گروهی	498		
اوقات فراغت کل	بین‌گروهی	2	31/92	0/000
	درون‌گروهی	498		

بر اساس نتایج جدول شماره نه، بین گروه سنی و میانگین اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه با توجه به میزان F به‌دست‌آمده در سطح 99 درصد برای ابعاد متفاوت اوقات فراغت (سستی و مدرن) معنادار است. از این‌رو، در بین پاسخ‌گویان برحسب گروه سنی و بر اساس نمره میانگین که کسب کرده‌اند، میانگین پرداختن به انواع اوقات فراغت در سطح یکسانی نیست و در مجموع، بر اساس گروه‌های مختلف سنی، بین میانگین اوقات فراغت تفاوت وجود دارد. با افزایش سن از میزان اوقات فراغت کاسته می‌شود. از سوی دیگر، در گروه‌های سنی مختلف نوع گذران اوقات فراغت نیز متفاوت است. میانگین فراغت مدرن افراد واقع در گروه سنی 15-29 سال از دیگر گروه‌ها بالاتر است. به عبارتی، هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، فراغت مدرن آن‌ها کاهش می‌یابد؛ ولی فراغت سستی آن‌ها افزایش می‌یابد. شاید نتایج به‌دست آمده به این دلیل باشد که جوانان آگاهی و علاقه‌مندی بیشتری به ابزارهای مدرن دارند و بیشتر در فضای مدرن قرار می‌گیرند.

جدول 10 تحلیل واریانس تحصیلات پاسخ‌گو بر حسب انواع اوقات فراغت

متغیرها	نوع پراکندگی	درجه آزادی (df)	F	سطح معناداری (sig)
فراغت سستی	بین‌گروهی	4	1/31	0/262
	درون‌گروهی	505		
فراغت مدرن	بین‌گروهی	4	4/56	0/001
	درون‌گروهی	496		
اوقات فراغت کل	بین‌گروهی	4	3/79	0/005
	درون‌گروهی	496		

بر اساس داده‌های جدول شماره ده، بین گروه تحصیلی و میانگین اوقات فراغت تفاوت معناداری وجود دارد. این نتیجه با توجه به میزان F به‌دست‌آمده در سطح 99 درصد برای فراغت مدرن معنادار است. اما در مورد اوقات فراغت سستی معنادار نیست. از این‌رو، در بین پاسخ‌گویان، میزان پرداختن به انواع اوقات فراغت به‌جز فراغت سستی، بر حسب گروه تحصیلی و بر اساس نمره میانگین که کسب کرده‌اند، در سطح یکسانی نیست. با افزایش میزان تحصیلات بر میانگین اوقات فراغت افزوده می‌شود و نیز نوع گذران اوقات فراغت با افزایش

تحصیلات تغییر می‌یابد. میانگین فراغت مدرن افراد واقع در گروه تحصیلی «بالتر از لیسانس» از دیگر گروه‌ها بالاتر است؛ ولی میانگین فراغت سستی در افراد واقع در گروه تحصیلی «بی‌سواد» بالاتر از بقیه گروه‌های تحصیلی است. به عبارتی، هرچه بر سطح سواد افراد افزوده می‌شود، آن‌ها بیشتر به فراغت مدرن روی می‌آورند. شاید نتایج به‌دست آمده به این دلیل باشد که افراد با تحصیلات بالاتر آگاهی و علاقه‌مندی بیشتری به ابزارهای مدرن دارند و بیشتر در فضاهای مدرن (دانشگاه، مدرسه و...) قرار می‌گیرند.

جدول 11 ضرایب هم‌بستگی متغیرهای زمینه‌ای و انواع اوقات فراغت

متغیر	انواع اوقات فراغت		
	فراغت سستی	فراغت مدرن	فراغت کل
سن	ضریب هم‌بستگی	0/088	-0/361
	سطح معناداری	0/046	0/000
	تعداد	510	501
درآمد	ضریب هم‌بستگی	-0/059	0/021
	سطح معناداری	0/182	0/539
	تعداد	510	501
تحصیلات پدر	ضریب هم‌بستگی	-0/137	0/129
	سطح معناداری	0/002	0/004
	تعداد	497	488
تحصیلات مادر	ضریب هم‌بستگی	-0/145	0/179
	سطح معناداری	0/001	0/000
	تعداد	500	491
تحصیلات پاسخ‌گو	ضریب هم‌بستگی	-0/017	0/168
	سطح معناداری	0/707	0/000
	تعداد	510	501
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	ضریب هم‌بستگی	-0/115	0/165
	سطح معناداری	0/012	0/000
	تعداد	478	469

بر مبنای جدول شماره یازده، درباره هم‌بستگی بین سن با انواع اوقات فراغت می‌توان گفت:

1. متغیر سن با تمام انواع اوقات فراغت رابطه معناداری دارد؛ یعنی در تمام انواع فراغت، با افزایش سن میزان اوقات فراغت کاهش می‌یابد.

2. در میان انواع مختلف اوقات فراغت، قوی‌ترین رابطه بین اوقات فراغت مدرن با سن برقرار، و ضریب آن $-0/406$ است. ضعیف‌ترین رابطه نیز بین اوقات فراغت سنتی و سن دیده می‌شود که ضریب آن $0/088$ است.

3. نوع رابطه بین سن و اوقات فراغت مدرن، منفی است. بنابراین، بین سن و اوقات فراغت مدرن رابطه معکوسی برقرار است. به عبارتی، هرچه سن افراد بالاتر می‌رود، از میزان اوقات فراغت آنان کاسته می‌شود.

4. رابطه اوقات فراغت سنتی با سن مثبت و معنادار است؛ یعنی با افزایش سن میزان اوقات فراغت سنتی افزایش می‌یابد.

5. رابطه اوقات فراغت کل با سن معکوس و معنادار است. ضریب هم‌بستگی این دو متغیر $0/361$ - است.

درباره هم‌بستگی بین درآمد با انواع اوقات فراغت، یافته‌ها حاکی از آن است که بین درآمد و انواع اوقات فراغت هم‌بستگی ضعیفی وجود دارد. به‌طور کلی، بین درآمد و انواع اوقات فراغت رابطه معناداری وجود ندارند. بنابراین، فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه درآمد با انواع اوقات فراغت رابطه دارد، رد می‌شود.

درباب هم‌بستگی بین تحصیلات پدر با انواع اوقات فراغت، جدول شماره یازده نشان می‌دهد:

1. متغیر تحصیلات پدر با تمام انواع اوقات فراغت رابطه معناداری دارد؛ یعنی در تمام انواع فراغت، با افزایش تحصیلات پدر میزان اوقات فراغت افزایش می‌یابد.

2. در میان انواع اوقات فراغت، قوی‌ترین رابطه فراغت مدرن با تحصیلات پدر برقرار است که ضریب آن $0/170$ است. ضعیف‌ترین رابطه نیز بین فراغت سنتی و تحصیلات پدر دیده می‌شود که ضریب آن $-0/137$ است.

3. فراغت سنتی با تحصیلات پدر رابطه منفی و معنادار دارد ($-0/137$)؛ به این صورت که با افزایش میزان تحصیلات پدر از میزان فراغت سنتی افراد کاسته می‌شود و برعکس.

4. رابطه اوقات فراغت کل با تحصیلات پدر مثبت و معنادار است؛ به این معنا که با افزایش (یا کاهش) تحصیلات پدر، میزان اوقات فراغت در بین افراد افزایش (یا کاهش) می‌یابد و ضریب هم‌بستگی بین این دو متغیر 0/129 است.

درباره هم‌بستگی بین تحصیلات مادر با انواع اوقات فراغت، یافته‌ها حاکی از آن است:

1. متغیر تحصیلات مادر با تمام انواع اوقات فراغت رابطه معناداری دارد؛ یعنی در تمام انواع فراغت، با افزایش تحصیلات مادر میزان اوقات فراغت افزایش می‌یابد.

2. در میان انواع اوقات فراغت، قوی‌ترین رابطه بین فراغت مدرن با تحصیلات مادر دیده می‌شود که ضریب آن 0/231 است. ضعیف‌ترین رابطه نیز بین فراغت سنتی و تحصیلات مادر برقرار است که میزان آن 0/145 - است.

3. فراغت سنتی با تحصیلات مادر رابطه منفی و معنادار دارد (0/145-)؛ به این ترتیب که با افزایش میزان تحصیلات مادر از میزان فراغت سنتی افراد کاسته می‌شود و برعکس.

4. رابطه اوقات فراغت کل با تحصیلات مادر مثبت و معنادار است، به این معنا که با افزایش (یا کاهش) تحصیلات مادر، میزان فراغت در بین افراد افزایش (یا کاهش) می‌یابد و ضریب هم‌بستگی بین این دو متغیر 0/179 است.

درباره رابطه بین تحصیلات پاسخ‌گو با انواع اوقات فراغت یافته‌ها گویای آن است:

1. متغیر تحصیلات پاسخ‌گو با فراغت مدرن رابطه معناداری دارد؛ ولی با فراغت سنتی رابطه معناداری ندارد. از این‌رو، درباره فرضیه تحقیق مبنی بر اینکه متغیر تحصیلات پاسخ‌گو با انواع اوقات فراغت رابطه دارد، می‌توان گفت فرضیه پژوهش در مورد فراغت مدرن تأیید می‌شود.

2. در میان انواع اوقات فراغت، قوی‌ترین رابطه بین اوقات فراغت مدرن با تحصیلات پاسخ‌گو برقرار است که ضریب آن 0/180 است.

3. نوع رابطه بین متغیر تحصیلات پاسخ‌گو و اوقات فراغت مدرن، مستقیم است؛ به عبارتی هرچه میزان تحصیلات افراد بالاتر باشد، بر میزان فراغت مدرن آن‌ها افزوده می‌شود.

4. رابطه فراغت کل با متغیر تحصیلات پاسخ‌گو مستقیم و معنادار است. ضریب هم‌بستگی دو متغیر 0/168 است.

درباره هم‌بستگی بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی با انواع اوقات فراغت یافته‌ها نشان می‌دهد:

1. متغیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی با تمام انواع اوقات فراغت رابطه معناداری دارد.

مطالعه جامعه‌شناختی نحوه گذران اوقات ... قربانعلی ابراهیمی و همکار

2. در میان انواع مختلف اوقات فراغت، قوی‌ترین رابطه بین اوقات فراغت مدرن با پایگاه اجتماعی و اقتصادی برقرار است که میزان آن 0/202 است.

3. رابطه بین متغیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی و فراغت مدرن، مستقیم است؛ به عبارتی هرچه پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد بالاتر می‌رود، بر میزان اوقات فراغت آن‌ها افزوده می‌شود. ولی در مورد فراغت سنتی، هرچه پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد بالاتر باشد، میزان فراغت سنتی آن‌ها کاهش می‌یابد.

4. رابطه اوقات فراغت کل با متغیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی مستقیم و معنادار است. ضریب هم‌بستگی این دو متغیر 0/165 است.

جدول 12 رگرسیون خطی ساده بین هریک از متغیرهای مستقل با متغیر وابسته اوقات فراغت کل

سطح معناداری	مقدار t	ضرایب استاندارد شده (Beta)	ضریب تعیین (R ²)	ضرایب استاندارد نشده		متغیرهای مستقل
				خطای معیار (Std. Error)	ضریب رگرسیونی (B)	
0/000	-8/656	-0/361	0/131	0/125	-1/080	سن
0/004	2/868	0/129	0/017	0/317	0/908	تحصیلات پدر
0/000	4/013	0/179	0/032	0/402	1/613	تحصیلات مادر
0/000	3/808	0/168	0/028	1/302	4/960	تحصیلات پاسخ‌گو
0/632	0/480	0/021	0/000	0/000	1/16306	درآمد
0/000	3/613	0/165	0/027	0/003	0/012	پایگاه اجتماعی و اقتصادی

سطوح معناداری آزمون T (جدول 12) نشان‌دهنده آن است که تأثیر متغیرهای مستقل (سن، تحصیلات پاسخ‌گو، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و پایگاه اجتماعی و اقتصادی) بر متغیر اوقات فراغت معنادار است و فقط تأثیر متغیر درآمد بر متغیر وابسته اوقات فراغت معنادار نیست. نوع تأثیرگذاری متغیر سن بر اوقات فراغت منفی است؛ به این معنا که با افزایش میزان سن، از میزان اوقات فراغت کاسته می‌شود. ولی تأثیر متغیرهای تحصیلات

پاسخ‌گو، تحصیلات پدر و مادر و پایگاه اجتماعی و اقتصادی مستقیم و معنادار است؛ یعنی با افزایش هریک از آنها بر میزان اوقات فراغت افراد افزوده می‌شود. فرضیه تحقیق مبنی بر تأثیر متغیرهای زمینه‌ای بر اوقات فراغت، جز متغیر درآمد، تأیید می‌شود.

متغیر سن 13/1 درصد تغییرات متغیر وابسته اوقات فراغت را تبیین می‌کند که در مقایسه با متغیرهای دیگر بیشترین میزان تعیین‌کنندگی را داراست. ضریب تعیین درآمد 0/000 است؛ یعنی متغیر مستقل درآمد بر اوقات فراغت تأثیری ندارد.

نتیجه‌گیری

با اینکه جامعه ایران مدت طولانی‌ای است که فرایند مدرن‌شدن را آغاز کرده، نظریات متفاوتی در مورد مدرن یا سنتی بودن آن وجود دارد. عده‌ای معتقدند جامعه ایران جامعه‌ای سنتی است، عده‌ای دیگر آن را در حال گذار و برخی هم آن را مدرن می‌دانند. ویژگی جامعه مدرن تمایز یافتگی و ویژگی جامعه سنتی اشتراک و پیوستگی است. از آنجایی که اوقات فراغت مفهوم مدرنی است که از کار جدا، و وارد جامعه ایران شده و از آنجا که جامعه ایران هنوز فرایند مدرن‌شدن را به‌طور کامل طی نکرده؛ شیوه گذران فراغت پاسخ‌گویان در جامعه مورد مطالعه بیشتر سنتی است تا مدرن. با توجه به میانگین اوقات فراغت پاسخ‌گویان، به این نتیجه می‌رسیم که فراغت مدرن پایین‌ترین میانگین را به خود اختصاص داده است. این مسئله نشان از این دارد که با اینکه ما در عصر مدرن و صنعتی زندگی می‌کنیم، همچنان فراغت‌های سنتی پاسخ‌گویان بیشتر از فراغت مدرن است؛ شاید به این دلیل که هنوز در جامعه مورد مطالعه امکانات و شیوه‌های فراغت مدرن ایجاد نشده است.

در این پژوهش، دریافته‌ایم که بین دخترها و پسرها درباره میانگین اوقات فراغت آنها تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که میانگین اوقات فراغت پسران بیشتر از میانگین اوقات فراغت دختران است. مطالعات پیشین نیز بر این تفاوت تأکید داشتند (اله‌ام‌پور و پاک‌سرشت، 1383؛ ابراهیمی و بهنوئی، 1388؛ ربانی و شیر، 1388؛ Fitzgerald, 1995; 1388; Shinew et al., 2004; Wegner, 2006). این نتیجه شاید به این دلیل باشد که در فرهنگ مردسالارانه، دختران استقلال فردی کمتری داشته‌اند. به‌علاوه، در طول تاریخ، برای زنان تکیه‌گاهی مثل خانواده، مرد و... فرض کرده‌اند که سرپرستی او را برعهده دارد و همیشه باید

تابع نظر دیگر اعضای خانواده باشد؛ به گونه‌ای که حتی در مورد اینکه فراغت خودش را چگونه و در کجا سپری کند نیز از خود استقلال رأی ندارند. موقعیت خانه و کارخانگی، امکان اشتغال دائمی به زنان را نمی‌دهد؛ در نتیجه بیشتر آنان در بازار کار ثانویه و در مشاغل نیمه‌وقت و کم‌اهمیت‌تر به کار مشغول می‌شوند. عهده‌دار شدن مسئولیت سنگین کارهای خانه (خانه‌داری و بچه‌داری و تربیت فرزندان) به تنهایی و اضافه شدن کار بیرون خانه به آن، در اوقات فراغت زنان محدودیت‌های آشکاری ایجاد می‌کند. با این همه، بیشتر آن‌ها نه تنها به وقت آزاد، بلکه به فضا و تسهیلات مناسب و وسیله نقلیه ایمن و درآمد قابل مصرف برای پرداختن به اوقات فراغت دسترسی ندارند.

از سوی دیگر، میانگین فراغت سنتی زنان بیشتر از مردان است؛ ولی میانگین فراغت مدرن مردان بیشتر از زنان است. نتایج نشان می‌دهد زنان بیشتر به فراغت سنتی و مردان بیشتر به فراغت مدرن می‌پردازند.

بین گروه‌های سنی مختلف درباره میانگین اوقات فراغت آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این ترتیب که میانگین اوقات فراغت گروه سنی 15-29 سال بیشتر از دو گروه دیگر است. مطالعات پیشین نیز بر این تفاوت تأکید داشتند (G. Lee & Bhargava, 2004; Larabee, 1961). همچنین، هرچه سن افراد افزایش می‌یابد، از میزان فراغت مدرن آن‌ها کاسته می‌شود و بر فراغت سنتی آن‌ها افزوده می‌شود. این نتایج شاید حاکی از آن باشد که جوانان به ابزارهای مدرن گذران اوقات فراغت علاقه‌مندی و دسترسی بیشتری دارند.

همچنین، در این پژوهش دریافتیم که بین گروه‌های تحصیلی مختلف درباره میانگین اوقات فراغت آن‌ها تفاوت معناداری هست؛ به این ترتیب که میانگین فراغت سنتی افراد بی‌سواد بیشتر از گروه‌های تحصیلی دیگر است؛ ولی میانگین فراغت مدرن افراد با تحصیلات بالاتر از لیسانس، بیشتر از گروه‌های دیگر است. به طور کلی، افراد تحصیل کرده بیشتر به فراغت مدرن می‌پردازند و افراد کم‌سواد و بی‌سواد بیشتر به فراغت سنتی مشغول می‌شوند. این نتایج شاید به این دلیل باشد که افراد برای تحصیل وارد محیط‌های مدرن از قبیل مدرسه و دانشگاه می‌شوند و این محیط‌ها بر سلیقه و رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین این افراد دسترسی بیشتری به ابزارهای مدرن گذران اوقات فراغت دارند.

در تحقیقات گذشته مشاهده شد که محل سکونت یا محل تولد با میانگین اوقات فراغت افراد دارای رابطه معناداری است (خواجهنوری و مقدس، 1387). اما نتیجه مطالعه حاضر نشان می‌دهد بین محل سکونت و میانگین اوقات فراغت افراد رابطه معناداری وجود ندارد. شاید به این دلیل که در شهرستان جویبار فاصله شهر و روستا هم از نظر مسافت و هم از نظر امکانات کم است. این مسئله سبب می‌شود تا افراد ساکن در شهر و روستا سبک زندگی مشابهی را برگزینند و از آنجایی که اوقات فراغت یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی است، بر اوقات فراغت افراد نیز مؤثر است.

از دیگر دستاوردهای این مقاله آن است که بین افراد مجرد و متأهل درباره میانگین اوقات فراغت آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که میانگین اوقات فراغت در بین مجردها بیشتر از متأهلان است. مطالعات پیشین نیز بر این تفاوت تأکید داشتند (G. Lee & Bhargava, 2004). از سوی دیگر، میانگین فراغت مدرن مجردان بیشتر از متأهلان است. ضرایب هم‌بستگی سن، درآمد، تحصیلات پاسخ‌گو، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و پایگاه اجتماعی و اقتصادی با انواع اوقات فراغت نشان می‌دهد متغیرهای سن، تحصیلات پاسخ‌گو، تحصیلات پدر و مادر و پایگاه اجتماعی و اقتصادی با اوقات فراغت رابطه معناداری دارد. مطالعات پیشین نیز این یافته را تأیید می‌کنند (منادی، 1386؛ Larrabee, 1961) و فقط متغیر درآمد تأثیر معناداری بر اوقات فراغت ندارد.

رگرسیون خطی ساده بین سن، درآمد، تحصیلات پاسخ‌گو، تحصیلات پدر و مادر و پایگاه اجتماعی و اقتصادی با اوقات فراغت نشان می‌دهد همه متغیرها به جز متغیر درآمد بر اوقات فراغت تأثیر معناداری دارند. پژوهش مهدوی و مولایی (1381) نیز عدم تأثیرگذاری متغیر درآمد بر اوقات فراغت را تأیید می‌کند. با توجه به اینکه ساختار اجتماعی تاحدودی سنتی است و نوع غالب فراغت هم سنتی است، به نظر می‌رسد عدم تأثیرگذاری درآمد بر اوقات فراغت به این دلیل باشد که انجام اعمال فراغتی به عنصر پول و سرمایه مادی نیازی ندارد. درواقع، با غلبه نوع غالب فراغت سنتی در جامعه، پول به عنوان متغیر تعیین‌کننده جامعه مدرن، نقش زیادی در جامعه مورد مطالعه نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

1. Larrabee
2. Fitzgerald
3. Shiness
4. Wegner
5. G. Lee & Bhargava
6. Gomez
7. Aguiar & Hurst
8. validity
9. reliability
10. spss
11. leisure time
12. traditional leisure
13. modern leisure

منابع

- آرتور، کریستینسن (1349). *ایران در زمان ساسانیان*. ترجمه رشید یاسمی. تهران: خوارزمی.
- ابراهیمی، قربانعلی و عباس بهنوئی گدنه (1388). «اوقات فراغت و هویت: بررسی جامعه‌شناختی رابطه اوقات فراغت با هویت شخصی در بین جوانان شهر بابلسر». *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. س 5. ش 14. صص 127-148.
- اسپنسر و دیگران (1381). *جامعه سستی و جامعه مدرن*. ترجمه منصور انصاری. تهران: نقش جهان.
- اسدی، علی (1352). «فراغت، تعاریف و دیدگاه‌ها». *سمینار ملی رفاه اجتماعی*. سازمان برنامه و بودجه. تهران: کمیته گذران اوقات فراغت، 18-22 اسفند.
- الهام‌پور، حسین و محمدجعفر پاک‌سرشت (1383). «بررسی الگوی گذران اوقات فراغت دانشجویان دانشگاه شهید چمران». *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. د 3. س 10. ش 3 و 4. صص 39-62.
- پوراسماعیل، احسان (1385). «بهره‌وری از اوقات فراغت با توجه به نظرات جامعه‌شناسان و مقایسه آن با آموزه‌های وحیانی». *مجله پژوهش دینی*. ش 14. صص 183-207.
- ترکاشوند، علی (1386). «سرار تایخی اوقات فراغت». *روزنامه ایران*. ش 3680 (86/4/16).

- توتونچی ملکی، سعید (1388). «نظریه طبقه مرفه: بررسی افکار یک اقتصاددان نهادگرا». هفته‌نامه پنجره. ش 6 (شهریور). صص 1-5.
- تورکیل‌دسن، جورج (1382). اوقات فراغت و نیازهای مردم. ترجمه عباس اردکانیان. تهران: نوربخش.
- توکل، محمد (1370). جامعه‌شناسی علم. تهران: مؤسسه علمی - فرهنگی نص.
- تیبا، مجتبی (1388). بررسی رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی و چگونگی گذران اوقات فراغت در بین دانشجویان جوان 18-29 سال دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی. تهران.
- جلالی‌پور، حمیدرضا و جمال محمدی (1387). نظریه‌های متأخر جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
- جلالی فراهانی، مجید (1387). مدیریت اوقات فراغت و ورزش‌های تفریحی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- خواجه‌نوری، بیژن و علی‌اصغر مقدس (1387). «بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر میزان گذران اوقات فراغت؛ مورد مطالعه: دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان آباد». پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی. نیمه دوم 1387. صص 133-155.
- راوندی، مرتضی (1354). تاریخ اجتماعی ایران. ج 1. تهران: امیرکبیر.
- _____ (1368). تاریخ اجتماعی ایران. ج 7. تهران: امیرکبیر.
- ربانی، رسول و حامد شیری (1388). «اوقات فراغت و هویت اجتماعی». فصلنامه تحقیقات فرهنگی. د 2، ش 8. صص 109-249.
- روجک، کریس (1388). نظریه اوقات فراغت (اصول و تجربه‌ها). ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر شهر.
- زاهدی اصل، محمد (1381). مبانی رفاه اجتماعی. تهران: دانشگاه علامه.
- ساروخانی، باقر (1370). درآمدی بر دایرة‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: کیهان.
- سعیدی رضوانی، نوید و پیروز سینی‌چی (1386). «مشهد و اوقات فراغت». فصلنامه جستارهای شهرسازی. ش 22 و 23. صص 1-6.

- شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فر (1381). «رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی شهر تهران)». *نامه علوم اجتماعی*. ش 20. صص 133-147.
- شفیعی، سمیه (1386). «مطالعات جنسیتی اوقات فراغت به‌سوی تبیین سبک زندگی». تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک گروه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی. صص 132-173.
- شفیعی، سمیه‌سادات (1383). *بررسی رضامندی زنان از چگونگی گذران اوقات فراغت و عوامل مرتبط با آن در بین کارکنان و اساتید دانشگاه علامه طباطبائی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- عابدینی، نرگس (1372). *بررسی نحوه گذران اوقات فراغت دختران دبیرستانی در منطقه 17 آموزش و پرورش تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد. تهران.
- فکوهی، ناصر (1384). «پی‌یر بوردیو: پرسمان دانش و روشنفکری». *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*. صص 141-161.
- فکوهی، ناصر و فرشته انصاری مهابادی (1382). «اوقات فراغت و شکل‌گیری شخصیت فرهنگی نمونه موردی دو دبیرستان دخترانه شهر تهران». *نامه انسان‌شناسی*. د1. ش 4. صص 61-89.
- کوزر، لوئیس (1384). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- محسنی، منوچهر (1375). «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی و اجتماعی در تهران». تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادین وزارت ارشاد.
- منادی، مرتضی (1386). «اوقات فراغت و چالش‌های آن». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. ش 8. صص 136-165.
- مهدوی، محمدصادق و نرگس مولایی (1381). «مطالعه جامعه‌شناختی نحوه گذران اوقات فراغت مردان متأهل شاغل پس از کار روزانه از نگاه همسرانشان در شهر اراک سال 1381». *فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی*. س 1. ش 2. صص 1-20.

- مهدی‌پور آکردي، علي (1385). چگونگی گذران اوقات فراغت دانش‌آموزان مقطع متوسطه در شهرستان نکا و عوامل مؤثر بر آن. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی. تهران.
- نایبی، هوشنگ و حمید عبداللهیان (1381). «تبیین قشربندی اجتماعی». نامه علوم اجتماعی. ش 20. صص 205-236.
- نوری، مهدی (1379). «درآمدی جامعه‌شناختی بر اوقات فراغت». فرهنگ اصفهان. ش 25. صص 99-104.
- وبلن، تورنشتاین (1383). نظریه طبقه مرفه. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی.
- Anherier, H. K. Gerhard & F. P. Romo (1995). "From of capital and Social Stracture in Cultural Filds: Examining Boudieus". *American Journal of Sociology*. Vol. 100. No. 4. Pp. 59-90.
- Aguiar, Mark & Erik Hurst (2006). "Measuring Trends in Leisure: The Allocation of Time Over Five Decades". *Working Papers*. No. (6) 2. Pp. 1-26.
- Bourdieu, Pierre & Loic Wacquant (2002). *An Invitation to Reflexive Sociology*. Polity Press.
- Fitzgerald, Michael (1995). "Leisure Activities of Adolescent School Children". *Journal of Adolescence*. Vol. 18. Issue 3. Pp. 349-359.
- Gómez, Luis Fernando, Julio Cesar Mateus & Gustavo Cabrera (2004). "Leisure-Time Physical Activity Among Women in a Neighbourhood in Bogotá, Colombia: Prevalence and Socio-Demographic Correlates". *Cad. Saúde Pública*, Rio de Janeiro. No. 20(4). Pp. 1103-1109.
- G. Lee, Yoon & Vibha Bhargava (2004). "Leisure Time: Do Married and Single Individuals Spend It Differently?" *Family and Consumer Sciences Research Journal*. Vol. 32. Pp. 174-254.
- Larrabee, E. R. (1961). *Lass Leisure*. the Free Press Glecoe Illiois.

- Shinw, K. J., M. F. Floyd & D. Parry (2004). "Understanding the Relationship Between Race and Leisure Activities and Constraints: Exploring an Alternative Framework". *Leisure Science*. Vol. 26. Pp.181-199.
- Southerton, Dale (2001). "Consuming Kitchens: Taste, Context and Identity Formation". *Journal of Consumer Culture*. Vol. 2. Pp.179-203.
- Wegner, Lisa, Alen J. Flisher, Martie Muller & Carl Lombard (2006). "Leisure Boredom and Substance Use among High School Students in South Africa". *Journal of Leisure Research*. Vol. 38. No. 2. Pp. 249-266.